



Research Paper

Security Environment and Foreign and Security Policymaking; Proposing an Analytical Model

Seyed Davod Aghae^{1} , Yaser Nooralivand²

1. Professor, Departments of Regional Studies, Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.
2. PhD., Research Institute of Strategic Studies, University of Tehran, Tehran, Iran.

Use your device to scan
and read the article online



Citation: Aghae SD, Nooralivand Y. (2020). [Security Environment and Foreign and Security Policymaking; Proposing an Analytical Model (Persian)]. *Journal Strategic Studies of Public Policy*, 9(33), 2-23.



Received: 18 Nov 2018

Accepted: 27 Jan 2020

Key words:

Security, Environment,
Security environment,
Security system, Foreign
and security policymaking

ABSTRACT

Despite the strong and deep relation between the security environment and foreign and security policymaking, there is no specific and properly defined methodological framework to explain the relation between them. Therefore, this study has made an effort to suggest a properly defined methodological framework for understanding security environments and their relation with foreign and security policymaking while proposing an analytical model regarding the issue by addressing this question, "What is the relation between one player's security environments and its foreign and security policymaking?" The hypothesis which has been investigated in this study is that the security environment of a player is the input of its system of foreign and security policymaking. This input is processed in the process of environmental understanding and perception of security environment data by the decision-making leaders, and its output is manifested in the form of well-known actions and decisions such as doctrine, policy, strategy, and approaches regarding foreign and security policy. A descriptive-analytical method has been adopted to analyze the aforementioned hypothesis.

* Corresponding Author:

Seyed Davod Aghae. PhD.

Address: Departments of Regional Studies, Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.

E-mail: yaser.norali@ut.ac.ir

مقاله پژوهشی

محیط امنیتی و سیاست‌گذاری خارجی و امنیتی؛ ارائه یک الگوی تحلیلی

* سید داوود آقایی^۱، یاسر نورعلی‌وند^۲

۱. استاد گروه مطالعات منطقه‌ای دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران.
۲. دکتری، گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده

با وجود ارتباط وثیق و عمیق بین محیط امنیتی و فرایند سیاست‌گذاری خارجی و امنیتی، چارچوب روش‌شناختی خاص و مشخصی برای تحلیل و تبیین رابطه میان این دو وجود ندارد. از این رو، پژوهش حاضر با طرح این پرسش که چه ارتباطی میان محیط امنیتی یک بازیگر و سیاست‌گذاری خارجی و امنیتی آن وجود دارد، تلاش کرده است تا ضمن ارائه یک الگوی تحلیلی در این زمینه، چارچوب روش‌شناختی مشخصی برای شناخت محیط‌های امنیتی و ارتباط آن با سیاست‌گذاری خارجی و امنیتی ارائه کند. فرضیه‌ای که این پژوهش حول آن به بحث و بررسی پرداخته از این قرار است که محیط امنیتی یک بازیگر ورودی و نهاده نظام سیاست‌گذاری خارجی و امنیتی آن محسوب می‌شود. این ورودی در فراگرد ادراک محیطی و دریافتی که رهبران تصمیم‌گیر از داده‌های محیط امنیتی دارند، پردازش شده و خروجی آن در قالب کنش‌ها و تصمیمات شناخته‌شده‌ای همچون دکترین امنیتی، سیاست امنیتی، راهبرد امنیتی و رویکردهای سیاست خارجی و امنیتی بروز و ظهور می‌یابد. برای تبیین فرضیه فوق از روش توصیفی تحلیلی استفاده شده است.

تاریخ دریافت: ۲۷ آبان ۱۳۹۷

تاریخ پذیرش: ۷ بهمن ۱۳۹۸

کلیدواژه‌ها:

امنیت، محیط، محیط امنیتی، نظام امنیتی، سیاست‌گذاری خارجی و امنیتی

* نویسنده مسئول:

دکتر سید داوود آقایی

نشانی: تهران، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، گروه مطالعات منطقه‌ای.

پست الکترونیکی: yaser.norali@ut.ac.ir

مقدمه

و رابطه آن با فرایند سیاست‌گذاری خارجی ندارند. بنابراین، دغدغه و مسئله اساسی این پژوهش بررسی رابطه میان محیط امنیتی و سیاست‌گذاری خارجی در چارچوب یک الگوی تحلیلی است.

در همین راستا، پژوهش حاضر با طرح این پرسش که چه ارتباطی میان محیط امنیتی یک بازیگر و سیاست‌گذاری خارجی و امنیتی آن وجود دارد به این نتیجه رسیده است که محیط امنیتی یک بازیگر ورودی و نهاده نظام سیاست‌گذاری خارجی و امنیتی آن محسوب می‌شود که در فراگرد ادراک محیطی و دریافتی که رهبران تصمیم‌گیر از داده‌های آن دارند، پردازش شده و خروجی آن در قالب کنش‌ها و تصمیمات شناخته‌شده‌ای همچون دکترین، سیاست، راهبرد و رویکردهای سیاست خارجی و امنیتی بروز و ظهور می‌یابد.

۱. ادبیات موضوع

چارچوب مفهومی: محیط امنیتی

نقش «محیط‌ها» در فهم و مدیریت امنیتی به صورت فزاینده‌ای در حال افزایش است؛ به گونه‌ای که اگر همچون کارل مارکس^۱ ادعا کنیم که کلید درک تحول مفاهیم و پدیده‌ها - و از آن جمله امنیت - در گرو درک تغییراتی است که در محیط رخ داده است، چندان مبالغه نکرده‌ایم؛ بنابراین پرسش از چیستی «محیط امنیتی» و سازوکار تأثیرگذار آن سؤالی است که پیش‌زمینه پرداختن به آن، تعریف دانش‌واژه محیط است. از این رو، شناخت مفهومی «محیط» اولین گام در جهت شناخت «محیط امنیتی» است. محیط شامل عوامل و متغیرهای فضایی مانند مکان، موقعیت و حتی تفاوت‌های

تمامی نظام‌های سیاسی جهان به منافع ملی و امنیت ملی توجه ویژه‌ای دارند و تأمین آن از جمله اساسی‌ترین اهداف و وظایف سیاست خارجی آن‌ها محسوب می‌شود. سیاست خارجی و امنیتی دولت‌ها در خلأ شکل نمی‌گیرد و برخاسته از فرصت‌ها و تهدیدهایی است که در محیط امنیتی آن‌ها شکل می‌گیرد. درواقع، تعریف و تأمین اهداف سیاست خارجی و امنیتی دولت‌ها در گرو شناخت و برآورد دقیق آنان از محیط امنیتی خود و رقبایشان در عرصه بین‌المللی است. از این رو، به همان میزان که یک برآورد و ارزیابی واقع‌بینانه و به‌روز از محیط امنیتی می‌تواند یک دولت را به تأمین اهداف و منافعش در سیاست خارجی رهنمون کند، غفلت از آن نیز می‌تواند به قیمت اتخاذ سیاست‌های غیرواقع‌بینانه و بروز مخاطرات سرنوشت‌ساز برای امنیت و موجودیت آن تمام شود.

از آنجا که محیط‌های امنیتی در نتیجه تحولات و رویدادهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و پیشرفت‌های ارتباطی و فناورانه جهانی، محیط‌هایی به‌شدت «متغیر و پویا» هستند، شناخت روزآمد از آن‌ها برای تدوین سیاست‌های واقع‌بینانه و کارآمد امری اجتناب‌ناپذیر است. درست به همین دلیل است که کشورها و عمدتاً قدرت‌های بزرگ هرچند سال یک‌بار با ارزیابی تغییر و تحولات محیط امنیتی خود، راهبردهای سیاست خارجی و امنیتی‌شان را به‌روزرسانی می‌کنند. با وجود این، چارچوب روش‌شناختی خاص و مشخصی برای تحلیل محیط امنیتی کشورها و ارتباط آن با سیاست‌گذاری خارجی و امنیتی آن‌ها وجود ندارد و محققان این حوزه از روش‌ها، ابزارها و تئوری‌هایی بهره می‌گیرند که ارتباط روشن و دقیقی با محیط‌شناسی امنیتی

1. Karl Marx

اجتماعی و نظام‌های تصمیم‌گیری است.

هارولد و مارگارت اسپروت^۲ محیط را مجموعه عوامل محاط‌کننده انسانی و غیرانسانی، ملموس و ناملموس تعریف می‌کنند. خانواده اسپروت این تعریف را نیز ارائه داده است: «محیط را می‌توان به عنوان یک مفهوم عامی که دربرگیرنده همه عوامل و نیروهای خارجی است محسوب کرد که نسبت به آن یک ارگانسیم یا مجموعه‌ای از ارگانسیم‌های بالقوه و یا بالفعل پاسخگو هستند؛ یا محیط ممکن است صرفاً به جوانب مادی یا مکانی دنیای اطراف محدود باشد و غوغای ناشی از روابط اجتماعی را نادیده بگیرد» (Sprout, Harold and Margaret, 1965: 27).

در مطالعات امنیتی، محیط امنیتی با شرایط و مقتضیات خاص خود یکی از عناصر کلیدی و مؤلفه‌های تجمیعی در شناسایی دیگر مسائل امنیتی محسوب شده و شناخت و کسب برآورد کامل از ابعاد و زوایای آن سهم بزرگی در روند تجزیه و تحلیل وقایع و اشراف بر رخداد‌های متنوع و با ارزش مکانی داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی دولت‌ها ایفا می‌کند (عصاریان‌نژاد و ترقی، ۱۳۸۷: ۹۲). به عبارت دیگر، افزایش نقش محیط و رخداد‌های آن در درک مفهوم امنیت و مدیریت آن، باعث توجه بیشتر بر مفهوم «محیط امنیتی» شده است؛ به گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد کلید درک تحولات امنیتی در گرو درک تغییراتی است که در محیط امنیتی رخ داده است (افتخاری، ۱۳۸۷: ۳۰).

تعاریف چندی برای این مفهوم در پژوهش‌های مختلف ارائه شده است. یکی از این تعاریف محیط امنیتی را فضایی می‌داند که در آن بازیگران

می‌توانند نیازهای امنیتی خود را با استفاده از قابلیت‌های موجود در محیط دسته‌بندی و امکان پیگیری آن‌ها را تا رسیدن به هدف فراهم کنند. همچنین آمده است، محیط امنیتی عبارت است از فضای مشخصی از عناصر و اجزای حیاتی و امنیت‌ساز که موجب دفع تهدید و تسهیل در تحقق منافع امنیت ملی حاکم بر آن محیط می‌شود. در یک تعریف دیگر، با تقسیم‌بندی محیط امنیتی جوامع، به دو محیط داخلی و خارجی، محیط امنیتی هر جامعه تابع و برابندی از تقابل و تعامل متغیرهای محیط داخلی (ساختار حکومتی، چگونگی توزیع و تمرکز قدرت، فرامسیون‌های اجتماعی، فعالیت‌های سیاسی، ایدئولوژی و ارزش‌ها و مشارکت مردمی) و متغیرهای محیط خارجی (ساختار قدرت، نظم یا بی‌نظمی جهانی، فناوری، مسابقه تسلیحاتی و موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی) است (حسن‌پور و شاه‌محمدی، ۱۳۹۵: ۷۷).

محیط امنیتی محل رویش و پیدایش فرصت‌ها و تهدیدها، ابعاد سخت‌افزاری شامل توانمندی‌های فیزیکی و مادی و ابعاد نرم‌افزاری شامل ظرفیت سیاسی و زیرمجموعه‌های مربوطه می‌شود (عصاریان‌نژاد و عبدالله‌خانی، ۱۳۸۵: ۱۳۲). در تعریفی دیگر، محیط امنیتی اشاره به یک الگوی متعامل از سرشت دولت‌ها در درون یک چارچوب آنارشیک - ناشی از غیبت یک ساختار سیاسی متمرکز - و با تأکید خاص بر تعامل آن‌ها با قدرت‌های سلطه‌گر و هژمون (بر حسب قابلیت‌های نظامی آن‌ها و میزان نفوذ سیاسی آن قدرت‌ها در منطقه) دارد (عصاریان‌نژاد و ترقی، ۱۳۸۷: ۹۴). چنین محیط امنیتی‌ای همواره حامل تهدیدها و فرصت‌هایی است که واحدهای ملی با توجه به موقعیت، میزان قدرت و ضعف و همچنین منزلتشان از آن نصیب می‌برند.

2. Harold and Margaret Sprout

جیمز روزنا^۵ نیز در نظریه خود، پنج مجموعه از متغیرها را شناسایی می‌کند که در واقع این متغیرها در کنار یکدیگر یک محیط امنیتی را شکل می‌دهند. این متغیرها عبارت‌اند از عوامل فردی، عوامل نقش‌محور، عوامل حکومتی، عوامل جامعه‌محور و عوامل سیستمی یا سطح نظام که به عقیده وی با شکل‌دهی به محیط امنیتی یک کشور نقش اساسی در نحوه تصمیم‌گیری سیاست خارجی آن دارند. از نگاه سیستمی دیوید ایستون^۶ نیز، ساختار هر نظام سیاسی (بخوانیم محیط امنیتی) با احاطه توسط دو محیط داخلی و خارجی که در کنش و واکنش متقابل با هم هستند از چهار بخش اصلی ورودی، خروجی، فرایند تبدیل ورودی به خروجی و بازخورد تشکیل می‌شود که در تمامی نظام‌ها (محیط‌ها) مشترک است. این در حالی است که کارویژه‌های این ساختار در کشورهای مختلف، متفاوت‌اند و همین تفاوت در محتوای ساختارها و کارویژه‌ها باعث تمایز در محیط امنیتی آن‌ها می‌شود.

بر اساس نظریه شیپینگ تانگ^۷ نیز، توجه به عناصر جغرافیایی، تعاملات کشور به کشور، ساختار بین‌المللی و فناوری نظامی در یک چارچوب منسجم، از قابلیت بیشتری برای تبیین تحولات امنیتی برخوردارند و در واقع این عناصر هستند که محیط امنیتی را شکل می‌دهند و نحوه ترکیب آن‌هاست که محیط‌های امنیتی متفاوتی را برای هر کشور به وجود می‌آورد (Tang, 2005: 180). با این همه، ضعف نظریه تانگ در این نکته نهفته است که تعریف وی از محیط امنیتی صرفاً ناظر بر محیط امنیتی بیرونی است و عوامل مؤثر بر محیط امنیتی داخلی را دربر نمی‌گیرد. همچنین، این نظریه نیز

در ادبیات موجود مطالعات امنیتی و سیاست خارجی، برخی از نظریات همچون نظریه «مجموعه امنیتی» بوزان، نظریه «موازنه تهدید» والت، نظریه «پیوستگی» روزنا، نظریه «سیستمی» دیوید ایستون و نظریه «نظام‌واره محیط امنیتی» تانگ، اگرچه با هدف تعریف محیط امنیتی تئوریزه نشده‌اند، اما در دل دستگاه تئوریک و تحلیلی خود به نوعی به تعریف محیط امنیتی نیز پرداخته‌اند. در همین راستا، بوزان به جای محیط امنیتی از واژه «مجموعه امنیتی» نام می‌برد که به نحوه تعامل امنیتی مشابه کشورها در یک محیط جغرافیایی، نحوه توزیع قدرت و الگوهای دوستی و دشمنی در سطح تحلیل منطقه‌ای اشاره می‌کند.

در تعریف دیگری که از سوی بوزان و ویور^۳ ارائه شده است، مجموعه امنیتی (بخوانیم محیط امنیتی) شامل مجموعه‌ای از واحدهای سیاسی است که در آن‌ها فرایندهای امنیتی‌کردن و غیرامنیتی‌کردن یا هر دوی آن‌ها چنان در هم تنیده شده‌اند که مسائل و چالش‌های امنیتی را نمی‌توان جدا از یکدیگر تحلیل کرد. به این ترتیب، می‌توان مجموعه امنیتی را وابستگی متقابل امنیتی در گستره جغرافیایی خاصی در نظر گرفت (Buzan & Wæver, 2009: 55).

استفان والت^۴ به جای «موازنه قدرت» مورد نظر واقع‌گرایان در یک محیط امنیتی، بحث ارزیابی محیط امنیتی را بر اساس «موازنه تهدید» در قالب مؤلفه‌هایی چون امکان تهدیدزدایی، ارزیابی قدرت، نزدیکی جغرافیایی، مقاصد و انگیزه‌های تهدیدزدایی مورد بررسی قرار می‌دهد (غریاقی زندی، ۱۳۸۷: ۱۰).

5. James Rosenau

6. David Easton

7. Tang

3. Buzan & Wæver

4. Stephen Walt

تطبیقی اندیشمندان این حوزه تلاش دارند تا در صورت امکان با نگاهی ایده‌پردازانه، الگویی جهت تعریف، تبیین و یا شکل‌بندی این محیط ارائه کنند.

تحدید محیط امنیتی به ملاحظات جغرافیایی که از آن به محیط داخلی و خارجی تعبیر می‌شود رویکرد عام و شایعی است که از آغازین مطالعات امنیتی بدان توجه شده است. با این حال، باید پذیرفت که تفسیر جغرافیایی متعارف از محیط نمی‌تواند جوابگوی ابعاد پیچیده «محیط‌های جدید امنیتی» باشد. به همین دلیل نگارندگان سعی در ارائه الگویی برای تحلیل و تبیین محیط امنیتی دارند که در مقایسه با تعاریف سنتی تر محیط امنیتی که عمدتاً مکان‌محور و جغرافیامحور هستند، الگویی کارآمدتر برای ارزیابی لایه‌های پیچیده «محیط امنیتی جدید» ارائه کند.

برای این کار ابتدا باید تعریف جامع‌تری از مفهوم محیط امنیتی به دست دهیم. با در نظر گرفتن تعاریف مختلف موجود از محیط امنیتی و همچنین شاخص‌ها و مؤلفه‌هایی که در باب تبیین این مفهوم مورد بررسی قرار گرفت، می‌توان محیط امنیتی را این‌گونه تعریف کرد: «محیط امنیتی مجموعه عوامل محاط‌کننده عینی - جغرافیایی، ذهنی - روانی و انسانی - غیرانسانی ملموس و ناملموسی است که به علت تغییر و پویایی مداوم، بر ساختار، اهداف، اولویت‌ها، استراتژی‌ها و تصمیم‌های کنشگران امنیتی دولتی و غیردولتی تأثیر گذاشته و از آن‌ها تأثیر پذیرفته و از رهگذر چنین برهم‌کنشی تهدیدها و فرصت‌های امنیتی جدیدی را پیش‌روی این کنشگران قرار داده و آن‌ها را در معرض انتخاب‌ها و تصمیم‌گیری‌های جدید به منظور به حداقل رساندن تهدیدها و بهره‌برداری حداکثری از فرصت‌ها قرار می‌دهد». بر اساس این تعریف، یک محیط امنیتی

مانند دیگر نظریات، به دلیل غلبه نگرش نظامی، از دیگر ابعاد امنیتی غیرنظامی محیط امنیتی غافل مانده است (خلیلی، ۱۳۸۷: ۲۷).

بررسی آثار مربوط به مطالعات محیط امنیتی در دوره‌های گذشته نشان می‌دهد که در ادراک و برداشت اندیشمندان از کارکرد محیط از یک‌سو و امنیت از سوی دیگر، جغرافیامحوری و مکان‌محوری و همچنین عنصر نظامی‌گری بر دیگر جنبه‌های آن غلبه داشته است. در دهه‌های پایانی قرن بیستم میلادی، وقوع تحولات سیاسی امنیتی در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی از یک‌سو و پیشرفت شتابان فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطاتی از سوی دیگر، توجه نظریه‌پردازان را به مطالعه و تبیین متغیرهای غیرفیزیکی محیط امنیتی به‌ویژه تأثیر فضای سایبری و اطلاعاتی بر امنیت معطوف کرده است. با این حال، تعداد آثار مربوط به ابعاد فرهنگی، سیاسی و امنیتی در مقایسه با محیط امنیتی جغرافیامحور و توجه به متغیرهای انضمامی محیط بسیار اندک و ناچیز بوده است؛ به طوری که می‌توان گفت در این حوزه با فقر ادبیات و تحقیقات مواجه هستیم (عصاریان‌نژاد و پورقلی، ۱۳۹۴: ۱۴-۱۳).

۲. روش‌شناسی پژوهش

۲-۱. الگویی جامع برای مطالعه محیط امنیتی

همان‌طور که از نظر گذشت، برای درک و شناخت محیط امنیتی نمی‌توان تعریف واحد، مشخص و مورد اجماعی یافت و ماهیت ذاتی علوم امنیتی و فقر منابع در حوزه محیط امنیتی باعث شده تا پیچیدگی و ابهام در این حوزه مطالعاتی کماکان از مهم‌ترین دغدغه‌های پژوهشی باشد. از این رو، نگارندگان با بهره‌گیری و تبیین مفاهیم و نظریات

دارای چهار مؤلفه اساسی زیر است:

۱. ابعاد محیطی: منظور از ابعاد محیطی تمام آن چیزی است که در دو بُعد ذهنی و عینی جوامع انسانی و دولت‌ها وجود دارد. از این جهت، ابعاد محیطی محیط امنیتی یک کنشگر دولتی یا غیردولتی به دو بُعد «عینی - جغرافیایی» و «ذهنی - روانی» تقسیم می‌شود. بُعد عینی - جغرافیایی دربرگیرنده تمامی رویدادها و تحولاتی است که در محیط فیزیکی یک کنشگر امنیتی در حال وقوع است. گستره جغرافیایی آن کنشگر، تغییر و تحول در منابع طبیعی و انسانی آن، تغییر در مرزهای داخلی و خارجی آن، ظهور و سقوط دولت‌ها و کنشگران غیردولتی پیرامون آن، جنگ‌ها، وقایع تروریستی، منازعات و بحران‌های موجود در محیط داخلی و پیرامونی آن، تغییرات اقلیمی و آب و هوایی، مهاجرت‌ها، ظهور جریان‌ها و احزاب سیاسی، مذهبی و قومی در محیط داخلی و پیرامونی آن و حتی تأسیس و فروپاشی یک نهاد و سازمان داخلی و بین‌المللی تأثیرگذار در منافع آن و غیره همگی از جمله متغیرهای بُعد عینی - جغرافیایی محیط امنیتی یک کنشگر محسوب می‌شوند.

اما بُعد ذهنی - روانی معطوف به محیط ذهنی و روانی افکار عمومی و تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران کنشگر امنیتی است. این بُعد محیط امنیتی که در واقع همان حیطه جولان قدرت نرم دولت‌هاست، برآیند و نتیجه تحولات، رویدادها و دریافت‌های ذهنی و روانی است که مردم و رهبران آن جامعه از محیط عینی داخلی و خارجی جامعه خود دارند و به این دلیل که به شکل‌دهی و قالب‌بندی افکار عمومی ختم می‌شود و بر نحوه تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی رهبران آن جامعه تأثیر می‌گذارد و در یک برهم‌کنش بازخورد و خروجی آن مجدداً بر

تحولات محیط عینی تأثیر می‌گذارد، بسیار مهم‌تر از محیط عینی - جغرافیایی به شمار می‌رود. بدین ترتیب می‌توان به وجود یک محیط امنیتی پنهان درون «ذهنیت» بازیگران اشاره کرد که در جریان دیالکتیک «عین - ذهن» شکل می‌گیرد و در نهایت ساختار ذهنی بازیگر را شکل می‌دهد. این محیط به نوبه خود متأثر از دو عنصر مهم «منافع» (منافع حیاتی، منافع مهم و منافع حیاتی) و «انگیزه‌های» (انگیزه سلطه‌طلبی، برتری جویی، همکاری و غیره) بازیگران است (افتخاری، ۱۳۷۸: ۳۸).

۲. سطوح امنیتی: پس از تقسیم ابعاد یک محیط امنیتی به دو بُعد عینی - جغرافیایی و ذهنی - روانی، باید به این نکته مهم توجه داشت که بعد عینی - جغرافیایی خود دارای سطوحی است که تفکیک آن‌ها از یکدیگر برای تحلیل یک محیط امنیتی امری اجتناب‌ناپذیر است و تصویر روشن‌تر و فهم دقیق‌تری از این محیط به دست می‌دهد. این سطح‌بندی که در ادبیات پژوهشی روابط بین‌الملل از آن به عنوان «سطوح تحلیل» نیز یاد می‌شود، تقسیم‌بندی‌های متنوع و مختلفی دارد.

یکی از متداول‌ترین و ساده‌ترین سطح‌بندی‌های محیط امنیتی تقسیم این محیط به دو «محیط داخل» و «محیط بین‌المللی» است. در این تقسیم‌بندی محیط داخلی دربرگیرنده مرزهای ملی، گستره جغرافیایی و منابع سرزمینی، نظام حکومتی و نهادهای حاکم بر سرزمین ملی، جمعیت و ملیت، ارزش‌ها و فرهنگ ملی است. محیط بین‌المللی نیز به هر آنچه در جهان ورای مرزهای ملی (اعم از دولت‌ها و روابط میان آن‌ها، بازیگران غیردولتی، اتحادیه‌ها و پیمان‌های بین‌المللی، سازمان‌های بین‌المللی، شرکت‌های چندملیتی و غیره) موجود است اطلاق می‌شود. در یک سطح‌بندی مشابه دیگر،

محیط امنیتی به سه سطح «درونی»، «داخلی» و «خارجی» تقسیم شده است.

سطح درونی در این تقسیم‌بندی شامل تمامی شقوق نهادی است که یک دولت ملی بر مبنای آن تأسیس می‌شود. ساخت قدرت، نوع مناسبات قدرت، سازمان‌یافتگی بوروکراتیک، کارآمدی، مشروعیت، فرهنگ و فضای سازمانی و نیرو و منابع انسانی از جمله شاخص‌های این سطح هستند. سطح یا محیط داخلی متوجه روابط و بافتار اجتماعی یک کشور است. گروه‌های مختلف اجتماعی، احزاب و جریان‌های سیاسی، قومیت‌ها و مذاهب، جمعیت و دموگرافی جمعیتی، فرهنگ عمومی، آسیب‌های اجتماعی و غیره از جمله شاخص‌های نمایانگر محیط داخلی هستند. محیط خارجی نیز همان‌طور که پیداست متوجه رویه‌ها و مسائل بین‌المللی شامل تحولات سیاست بین‌الملل، اقتصاد بین‌الملل، بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، اتحادیه‌ها و پیمان‌های بین‌المللی و غیره می‌شود.

از جمله سطح‌بندی‌های دیگر می‌توان به سطح‌بندی محیط امنیتی بر مبنای نظریه نظام‌ها اشاره کرد. از نظر دیوید ایستون واضح نظریه سیستم‌ها، کل محیط سیستم سیاسی شامل دو محیط می‌شود؛ نخست، محیط درون‌جمعی است که شامل جامعه‌ای می‌شود که سیستم سیاسی در آن قرار دارد. سیستم‌های درون‌جمعی عبارت‌اند از مجموعه رفتارها، ایستارها و عقایدی که در قالب فرهنگ، اقتصاد، ساختار اجتماعی و یا شخصیت‌ها تجلی می‌یابند. دوم، محیط برون‌جمعی است که این محیط تمامی سیستم‌های واقع در خارج از محیط درون‌جمعی را دربر می‌گیرد. این دو محیط روی هم رفته محیط کل سیستم سیاسی را تشکیل می‌دهند (عصاریان‌نژاد و ترقی، ۱۳۸۷: ۱۰۴-۱۰۲).

جیمز روزنا نیز با تقسیم محیط امنیتی و سیاست خارجی به دو سطح داخلی و خارجی، در عوامل محیطی بیرونی بر مؤلفه‌هایی چون ساختار قدرت در نظام بین‌الملل، سطح نهادینگی منطقه، رابطه با کشورهای همسایه، وجود یا فقدان نهادهای حل تعارض در سطح منطقه‌ای، و غیره تأکید کرده است و در سطح محیط داخلی نیز عواملی چون نوع رژیم سیاسی، ساختار قدرت داخلی، ساختار تصمیم‌گیری، سازوکارهای تصمیم‌گیری در نهادهای مختلف داخلی، رابطه میان نهادهای تصمیم‌گیری، فرهنگ سیاسی، فرهنگ عمومی، گروه‌های فشار، رسانه‌ها و افکار عمومی را مورد توجه قرار داده است (Capar-asso, et al, 1986).

یکی دیگر از تقسیم‌بندی‌های موجود تقسیم‌بندی بوزان و ویور است. بوزان و ویور برای تشریح نظریه مجموعه‌های امنیتی، چهار سطح تحلیل داخلی، منطقه‌ای، بین‌منطقه‌ای و جهانی را از یکدیگر متمایز می‌کنند. در سطح داخلی، ویژگی‌های منحصر به فرد هر یک از دولت‌ها که علت آسیب‌پذیری آن‌ها را فراهم می‌کند، مورد توجه قرار می‌گیرد. سطح منطقه‌ای، دربردارنده روابط دولت با دولت است که پدیدآورنده آن منطقه - به گونه‌ای که هست - است. در سطح بین‌منطقه‌ای، تعامل‌های منطقه با مناطق پیرامون موردنظر است و درنهایت، سطح جهانی ناظر بر نقش قدرت‌های بزرگ در منطقه است (Bu-zan & Wæver, 2009: 62).

تقسیم‌بندی به دو محیط داخلی و خارجی، تقسیم‌بندی به دو محیط دولتی و غیردولتی، تقسیم‌بندی به دو محیط ملی و فراملی، تقسیم‌بندی به سه محیط درونی، داخلی و خارجی، تقسیم‌بندی به سه محیط داخلی، ملی، فراملی، تقسیم‌بندی به سه محیط مرکز، پیرامون

استقلال ملی یا امنیت از جنگ هسته‌ای جهانی جست‌وجو می‌شد.

تحولات چشمگیر پس از جنگ سرد، در تغییر محیط امنیتی تأثیر بسزایی داشته است. به گونه‌ای که تهدیدات، تعریف و مصادیق تازه‌ای یافته‌اند و نگرش سنتی - به‌ویژه تهدید ناشی از رقابت دو ابرقدرت - به‌شدت مورد چالش واقع شده است. افزون بر آن، طیف جدیدی از تهدیدات غیرنظامی نیز پدید آمده است.

در دنیای بعد از جنگ سرد که معاصر با عصر جهانی‌شدن و ارتباطات و فناوری اطلاعات است، مفهوم امنیت و ابعاد آن نیز تغییر بسیاری کرده است. امروز وقتی در سطح آکادمیک از امنیت سخن به میان می‌آید دیگر تنها بعد امنیت نظامی یا جغرافیایی مورد توجه نیست، بلکه این مفهوم به‌قدری وسعت موضوعی پیدا کرده است که رویکردهای تک‌وجهی و تک‌عاملی در تعریف آن کاربرد خود را کاملاً از دست داده‌اند. امروز موضوعات و مسائل امنیتی مواردی نظیر آلودگی زیست‌محیطی، تغییرات اقلیمی، جرایم سازمان‌یافته، بیکاری و فساد، غذا، بهداشت، تأمین شغل و مسکن، رفاه انسانی و اجتماعی، مسائل فرهنگی، روانی و به‌تازگی امنیت سایبری را نیز شامل می‌شود.

درواقع، مسائل مربوط به انرژی، منابع، محیط زیست، جمعیت و استفاده از فضا و دریا اکنون هم‌تراز مسائل مربوط به امنیت نظامی، ایدئولوژی و رقابت سرزمینی شده‌اند که به‌طور سنتی دستور کار امنیتی دولت‌ها را شکل می‌دادند (Moller, 2000: 17). به هر حال رویدادهای جهانی در حوزه‌های پیش‌گفته، نگاه بسیط به ابعاد امنیت را وارد مطالعات نظری این حوزه کرد؛ به گونه‌ای که

و شبه‌پیرامون، تقسیم‌بندی به سه محیط ملی، منطقه‌ای و جهانی، تقسیم‌بندی به سه محیط ملی، بین‌المللی و جهانی، تقسیم‌بندی به چهار محیط ملی، منطقه‌ای، بین‌منطقه‌ای و جهانی و نهایتاً تقسیم‌بندی به پنج محیط داخلی، ملی، منطقه‌ای، بین‌منطقه‌ای و جهانی از جمله این سطح‌بندی‌های محیطی هستند. با این همه، برای تحلیل یک محیط امنیتی باید تقسیم‌بندی‌ای را انتخاب کرد که در عین پرهیز از پیچیدگی، از جامعیت مناسبی برخوردار بوده و تقلیل‌گرایانه نیز نباشد؛ به عنوان نمونه، انتخاب سطح تحلیلی داخلی و خارجی با اینکه از پیچیدگی‌های دیگر تقسیم‌بندی‌های مزبور برخوردار نیست، اما برای ارزیابی یک محیط امنیتی تقلیل‌گرایانه به نظر می‌رسد.

در نقطه مقابل، تقسیم‌بندی پنج‌سطحی داخلی، ملی، منطقه‌ای، بین‌منطقه‌ای و جهانی اگرچه همه سطوح را مورد پوشش قرار می‌دهد، اما به همان اندازه نیز پیچیده بوده و کار تحلیلی محیط امنیتی را با دشواری تفکیک و ارتباط میان این سطوح مواجه می‌کند. دایره انتخاب برای تحلیل محیط امنیتی از میان تقسیم‌بندی‌های فوق باز است، اما پژوهشگر با توجه به موضوع و کنشگر امنیتی مورد مطالعه خود باید آن تقسیم‌بندی را انتخاب کند که از قدرت تحلیلی تبیینی جامع و مانع‌تری برخوردار باشد.

۳. ابعاد موضوعی محیط امنیتی: آنچه تعیین‌کننده ابعاد موضوعی محیط امنیتی است، خود موضوع امنیت و شقوق مختلف آن است. تا اواخر دهه ۱۹۸۰ موضوعات (سخت‌انستی) نظامی کانون مباحث امنیتی به شمار می‌رفت؛ به عبارتی نگرش تقلیل‌گرایانه به امنیت حاکم بود و امنیت در توانایی‌های نظامی و برقراری صلح پس از جنگ و در چارچوب امنیت سرزمینی از تجاوز خارجی، حفظ

«چندبُعدی بودن امنیت» ویژگی بارز آن به حساب می‌آید. در مجموع حاصل مطالعات مدرن امنیتی تصویر نسبتاً جامعی از امنیت است که در آن ابعاد متفاوتی چون اقتصادی، سیاسی، اجتماعی-فرهنگی، زیست‌محیطی، فضایی، سایبری، فنی-تکنولوژیک و نظامی در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و جهانی توأمان مدنظر هستند.

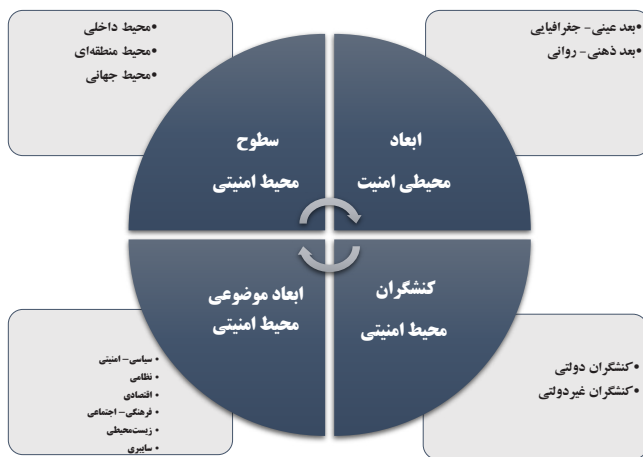
ویژگی بارز امنیت در این دوران آن است که از آن به مثابه «پروژه‌های باز» یاد می‌شود که با گذشت زمان به تنوع و تعداد ابعاد آن نیز افزوده می‌شود. به عبارت دیگر، امنیت «فرایندی مستمر» به شمار می‌آید که در هر عصر و دوره‌ای می‌توان و باید ابعاد تازه‌ای از آن را کشف کرده و بدین ترتیب به تکمیل چپستی امنیت کمک کرد (افتخاری، ۱۳۷۹: ۳۱).

به طور کلی، در گذشته موضوع امنیت در بُعد نظامی و سرزمینی خلاصه می‌شد به همین دلیل آنجا که بحث محیط امنیتی مطرح می‌شد، عمده نگاه‌ها معطوف به محیط امنیتی جغرافیایی و نظامی می‌شد. اما امروزه مسئله امنیت، حوزه‌ها و ابعاد وسیعی را دربر می‌گیرد، بنابراین همه ابعاد آن در زمره ابعاد موضوعی یک محیط امنیتی به شمار می‌روند و همان‌گونه که در کلام بوزان نیز پیداست با در کنار هم قرار گرفتن همه این ابعاد و سطوح است که می‌توان به شکل واقعی و دقیق‌تری از یک محیط یا مجموعه امنیتی دست یافت. سنجش و ارزیابی تهدیدها و فرصت‌ها در ابعاد فوق به ما کمک می‌کند که دریا بیم محیط امنیتی مورد نظر با چه تهدیدهایی روبه‌روست و چه قابلیت‌ها و فرصت‌هایی در اختیار دارد. در بسیاری از پژوهش‌های محیط‌شناسی موجود عمده نگاه‌ها متوجه تهدیدهای یک محیط امنیتی است، در حالی که نباید این نکته را از نظر دور داشت که این تنها

باری بوزان با تغییر در مؤلفه‌های همیشگی امنیت که همان مؤلفه‌های سخت واقع‌گرایان و مؤلفه‌های نرم لیبرالی است، مفهومی از امنیت را ارائه کرده که به حاشیه راندن سایر ابعاد امنیتی را نگاهی تقلیل‌گرایانه به امنیت می‌پندارد.

در این راستا بوزان تعریف موسع و گسترده از امنیت در جهان پس از جنگ سرد را جایگزین تعریف مضیق و محدود دوران جنگ سرد کرد و معتقد است که یک محیط امنیتی نوین صرفاً بر اساس امنیت نظامی تعریف نمی‌شود و پرداختن به امنیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی در تعریف آن امری اجتناب‌ناپذیر است. در همین رابطه وی در کتاب خود «مردم، دولت‌ها و هراس» می‌نویسد: «اگرچه اصطلاح امنیت ملی به ظاهر امری است که به سطوح دولتی مربوط می‌شود، ارتباطات بین این سطح با سطوح فردی، منطقه‌ای و سیستمی به گونه‌ای متعدد و قوی است که کسی نمی‌تواند منکر آن‌ها شود. همچنین گرچه امنیت ملی به ظاهر بر جنبه‌های سیاسی و نظامی متمرکز است که در آن‌ها دولت نقش اساسی دارد، ولی این ایده را بدون توجه به نقش آفرینان و پویش ابعاد اجتماعی، اقتصادی و محیطی نمی‌توان فهمید. تا حدودی امنیت فردی، ملی و بین‌المللی و امنیت نظامی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و محیطی را می‌توان موضوعاتی مستقل از هم در نظر گرفت. اما درک کامل هریک از آن‌ها تنها با ملاحظه سایر موارد مقدور است. تلاش برای محدود کردن امنیت به هر سطح یا بُعد مجزا، باعث اخلاص شدید در درک مسئله می‌شود» (Buzan, 2009: 399).

در واقع، نقد جدی رویکرد سنتی به امنیت از آن حیث که امنیت را مقوله‌ای تک‌بعدی می‌پنداشت راه را برای طرح دیدگاهی هموار ساخت که



تصویر ۱. الگوی تحلیلی محیط امنیتی

در مورد کنشگران محیط امنیتی نیز تقسیم‌بندی‌های مختلفی وجود دارد. برخی در یک تقسیم‌بندی کلی آن‌ها را به دو دسته کنشگران دولتی و غیردولتی تقسیم می‌کنند و برخی دیگر آن‌ها را به کنشگران فراملی، ملی و فراملی تقسیم می‌کنند. ضمن اینکه خود کنشگران دولتی نیز از جنبه‌های مختلفی مورد تقسیم‌بندی قرار می‌گیرند. به عنوان دولت‌ها از نظر قدرت، به ابرقدرت‌ها، قدرت‌های بزرگ، قدرت‌های منطقه‌ای و دولت‌های کوچک تقسیم می‌شوند.

به طور کلی، تا پیش از آغاز شدت گرفتن روند جهانی‌شدن در دو دهه گذشته، دولت‌ها کنشگران اصلی نظام بین‌الملل محسوب می‌شدند. دولت‌ها دارای تمامیت ارضی بودند؛ بدین معنا که می‌توانستند سلطه‌ای فراگیر، تمام عیار، بدون قید و شرط و منحصر به فرد بر حوزه جغرافیایی تعیین شده خود اعمال کنند و در صحنه بین‌المللی نیز یگانه بازیگر تعیین‌کننده باشند. با این حال، در عصر

تهدیدها نیستند که به یک محیط امنیتی شکل می‌دهند، بلکه فرصت‌ها و توانمندی‌های موجود از این جهت که ظرفیت‌های مقابله با تهدیدها و همچنین قابلیت کنشگری در محیط امنیتی را فراهم می‌آورند، بخش مهمی از کیفیت یک محیط امنیتی هستند. در برآورد و مقایسه نهایی تهدیدها و فرصت‌ها با هم است که مشخص می‌شود محیط امنیتی مورد مطالعه تهدیدمحور و آسیب‌پذیر است یا فرصت‌محور و کنش‌مند.

۴. کنشگران محیط امنیتی: پژوهش‌های محیط‌شناسی موجود به مؤلفه کنشگران محیط امنیتی توجه کمتری نشان داده‌اند و عمدتاً از نقش بسیار مهم آن در تبیین و تحلیل محیط امنیتی غافل مانده‌اند. واقعیت این است که اساساً یک محیط امنیتی بدون کنشگر امنیتی قابلیت شکل‌گیری ندارد. این کنشگران محیط امنیتی هستند که با کنش‌ها و واکنش‌های خود به محیط امنیتی و تحولات آن معنی و سر و شکل می‌دهند.

۳. یافته‌های پژوهش

۳-۱. محیط امنیتی و نظام سیاست‌گذاری خارجی

این مسئله که چرا دولت‌ها تصمیمات خاصی را اتخاذ می‌کنند و به این یا آن شکل به محیط بین‌المللی خود و کنش سایر دولت‌ها واکنش نشان می‌دهند، از اهمیت اساسی برخوردار است. یک دولت در مواجهه با یک تصمیم از سوی دولتی دیگر ممکن است سیاستی تعارض‌طلبانه اتخاذ کند، به دنبال راه‌حل‌های مسالمت‌جویانه باشد یا در مسیری تعاملی از یک راه‌حل، به سمت راهی دیگر حرکت کند. می‌دانیم که دولت‌ها واحدهایی نیستند که رأساً و در خلأ تصمیم بگیرند.

در واقع، تصمیمات سیاست خارجی رهبران سیاسی در کنش و واکنش با محیطی که در آن قرار دارند شکل می‌گیرد. در روابط بین‌الملل هم آرمان‌گرایان و هم واقع‌گرایان انسان را با توجه به محیط مورد بحث قرار داده‌اند. اگر به نوشته‌های دوران روشنگری نظر افکنیم، مشاهده می‌شود که آرمان‌گراها مدعی بوده‌اند که رفتار بین‌المللی را می‌توان با تغییر فضای نهادینه‌شده تغییر داد.

طرح‌های مربوط به سازمان ملل و حکومت جهانی و یا برنامه‌هایی که برای استقرار قواعد در رفتار بین‌المللی وجود داشت، همه با هدف تغییر رفتار انسانی به وسیله تغییر محیط بین‌المللی صورت می‌گرفت. در مقابل، غالباً واقع‌گراها مدعی‌اند که موقعیت ژئوپلیتیک کشورها اگر تعیین‌کننده رفتار سیاسی نباشد بدون شک آن را مقید می‌کند (Bar & Smith, 2005: 134).

اساساً زمانی که بحث محیط مطرح می‌شود منظور وجود یک سری محدودیت‌هایی است که پیش‌روی

حاضر به دلیل روند جهانی شدن و گسترش اطلاعات و ارتباطات، کشورداری به معنای حاکمیت انحصاری بر قلمرو سرزمینی به‌شدت غیرعملی شده و علاوه بر دولت‌ها کنشگرانی نوظهور در هر دو صحنه داخلی و بین‌المللی به ایفای نقش می‌پردازند.

این کنشگران نوظهور در حال حاضر در همه ابعاد سیاسی - امنیتی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی - اجتماعی و حتی زیست‌محیطی و سایبری حضور دارند و مستقل از دولت‌ها و یا در ارتباط با آن‌ها فعالیت می‌کنند. سازمان‌ها و اتحادیه‌های بین‌المللی، شرکت‌ها و نهادهای مالی چندملیتی و فراملیتی، سازمان‌های جامعه مدنی، کارتل‌های نظامی، گروه‌های تروریستی و تبهکاری و غیره از این جمله هستند (Gerard Ruggie, 2004: 509).

قدرت آن‌ها امروزه به حدی افزایش یافته است که هیچ دولتی نمی‌تواند نقش و وزن آن‌ها را در محیط امنیتی خود نادیده بگیرد. چهار مؤلفه فوق و زیرمجموعه‌های هریک از آن‌ها در کنار هم شکل دهنده به یک محیط امنیتی هستند که شمای کلی آن را می‌توان در قالب تصویر شماره ۱ مشاهده کرد.

به طور کلی، محیط امنیتی با تعریف و تفسیری که در این بخش آمد، مقوله‌ای «پویا» ارزیابی می‌شود که با توجه به برهم‌کنشی تحولات محیط عینی و ذهنی و متناسب با تغییر و تحولات زمانی و مکانی شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر، با توجه به شناسایی چهار مؤلفه اصلی که شرح آن‌ها از نظر گذشت، حال می‌توان محیط امنیتی را محصول «پویس‌هایی» دانست که در نتیجه نوع مناسبات و ارتباطات این چهار مؤلفه پدید می‌آیند.

محیط امنیتی بیرون می‌آید.

مفهوم نظام در دهه ۱۹۵۰ میلادی توسط لودویگ فون برتالنفی^۸ در حوزه زیست‌شناسی ابداع شد و سپس در حوزه‌های دیگر مورد استفاده قرار گرفت. این مفهوم و نگرش سیستمی نخستین بار با پسوند سیاسی توسط دیوید ایستون در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ به کار گرفته شد. ایستون این نظریه را در کتاب‌های نظام سیاسی و تحلیل نظام‌مند زندگی سیاسی مورد بررسی و مطالعه قرار داد و مفهوم سیاست و زندگی سیاسی را با نظریه نظام‌ها تبیین کرد. پس از وی، گابریل آلموند و کارل دویچ^۹ نظریه سیستم‌ها را تکامل بخشیدند. آلموند با تأثیرپذیری از ماکس وبر و تالکوت پارسونز^{۱۰}، ابتدا در سال ۱۹۵۶، در مجله سیاست به طبقه‌بندی ساده‌ای از نظام‌های سیاسی پرداخت و سپس، این طبقه‌بندی را با وارد کردن مفاهیم ساختار و کارویژه بسط داد و در مراحل بعد، آن را با مفاهیم و نظریات فرهنگ و توسعه نیز پیوند زد.

کارل دویچ نیز از نظریه سیستم‌های برتالنفی متأثر بود، اما وی عمدتاً با تأثیرپذیری از نظریه سبیرنتیک نوربرت واینر^{۱۱} به ارائه مدلی سیستمی برای مقایسه نظام‌های سیاسی در کتاب سلسله اعصاب حکومت پرداخت. البته نظریه سیستمی یا نظام سیاسی، به آثار و افکار این افراد محدود نشد و هنوز هم یکی از رویکردهای نظری قابل ملاحظه در سیاست مقایسه‌ای است. وجه مشترک تمامی این افراد این است که نظام سیاسی را به مثابه سازمان و تشکیلاتی می‌دانند که با محیط داخلی و بیرونی در کنش و واکنش متقابل است و اجزای ساختاری

تصمیم‌گیرندگان و سیاست‌گذاران یک دولت وجود دارد. محدودیت‌هایی شامل محیط تصمیم‌گیری، سیاست‌ها و اقدامات بازیگران مقابل، محدودیت‌های جغرافیایی و تفاوت محیط ذهنی/روانی تصمیم‌گیران با محیط عملیاتی و واقعی. نخست اینکه بازیگران در خلأ تصمیم نمی‌گیرند. هر نوع روابطی که با محیطشان برقرار می‌کنند، با مقررات حداقلی انجام می‌گیرد و باید تابع مقررات و هنجارهای بین‌المللی باشد. محدودیت دوم به سیاست‌ها و اقدامات دیگر بازیگران عرصه بین‌المللی بازمی‌گردد. اگر بر این باور باشیم که کشورهای مختلف بر اساس منافع، انگیزه‌ها و ترجیحات خودشان تصمیم می‌گیرند و بازی می‌کنند، پس لاجرم اصطکاک منافع این بازیگران در عرصه بین‌المللی امری طبیعی و ذاتی در روابط بین کشورها خواهد بود. محدودیت سوم در عرصه محیط خارجی به محدودیت‌های جغرافیایی و فناوری‌های موجود بازمی‌گردد.

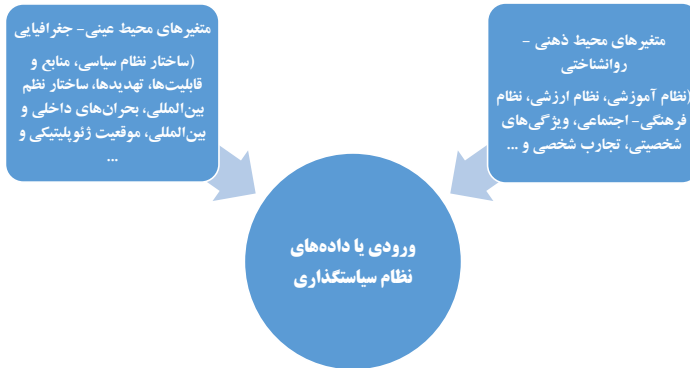
گاهی موانع جغرافیایی، اقلیمی و آب و هوایی بر اقدامات خشونت‌آمیز یا مسالمت‌آمیز کشورها مؤثر است. درنهایت محدودیت چهارم به تفاوت محیط ذهنی و روانی تصمیم‌گیران و محیط واقعی و عملیاتی بازمی‌گردد. آنچه در نهایت به عنوان خط‌مشی سیاست خارجی یک کشور در دستور کار قرار می‌گیرد، حاصل انباشت اطلاعاتی، ارزشی و محیط داخلی تصمیم‌گیرندگان و سیاست‌گذاران یک کشور است. اما آنچه در این بین محدودیت جدی فراهم می‌کند این است که سیاست‌گذاران محیط واقعی را آن‌طور که می‌خواهند تصور می‌کنند (غراباق‌زندگی، ۱۳۸۷: ۱۲). بنابراین، می‌توان گفت بین محیط امنیتی با نظام سیاست‌گذاری خارجی یک کنشگر امنیتی، رابطه دوسویه، عمیق و اجتناب‌ناپذیر وجود دارد. درواقع، فرایند سیاست‌گذاری خارجی از دل

8. Ludwig von Bertalanffy

9. Gabriel Almond & Karl Deutsch

10. Max Weber & Talcott Parsons

11. Norbert Wiener



تصویر ۲. ورودی نظام سیاست‌گذاری خارجی (محیط امنیتی)

برای بقای خود وابسته به داده‌های ناشی از محیط‌اند. نویسندگانی که علاقه‌مند به بررسی ارتباط بین انسان و محیط هستند بر اهمیت عوامل محیط به عنوان شاخص یا دست‌کم مقیدکننده رفتار سیاسی تأکید کرده‌اند (تصویر شماره ۲).

محیط‌ها نه تنها رفتار انسانی را محدود می‌کنند، بلکه برای وی فرصت‌هایی نیز فراهم می‌آورند. به رغم ظرفیت محدودی که در تغییر محیط انسان وجود دارد، ولی به هر حال رفتار وی تحت تأثیر عوامل محیطی قرار می‌گیرد؛ بنابراین، اگر محیط تعیین‌کننده مرزهای رفتار انسان نیست به هر حال نقش مهمی (اگر نگوییم غالب) در شکل‌دادن به رفتار وی دارد (Barber & Smith, 2005: 138). به عنوان نمونه، تغییر رهبران سیاسی کشورها یا ظهور یک گروه تروریستی در همسایگی یک کشور و یا تغییر افکار عمومی نسبت به یک مسئله خاص از جمله رویدادها و تحولات محیط عینی و ذهنی هستند که به عنوان ورودی و داده نظام سیاست‌گذاری خارجی، نقش بسیار مهمی در جهت‌دهی و ترسیم سیاست‌های جدید یک کشور در این حوزه دارند.

این نظام به واسطه کارویژه‌هایشان هدف خاصی را دنبال می‌کنند و همین هدف خاص و ساختار و کارویژه‌های خاص، مبنای تمایز نظام‌های سیاسی مختلف از یکدیگر است.

به عبارت دیگر، ساختار هر نظام سیاسی از چهار بخش اصلی ورودی، خروجی، فرایند تبدیل ورودی به خروجی و بازخورد تشکیل می‌شود که در تمامی نظام‌ها مشترک است. ما نیز در این پژوهش با بهره‌گیری تعریف عام نظریه نظام‌ها و چهار مؤلفه کلیدی آن (ورودی، خروجی، پردازش و بازخورد)، به تبیین نظام سیاست‌گذاری خارجی و رابطه آن با محیط امنیتی می‌پردازیم.

۱. ورودی: هر رویداد و تغییر و تحولی که در محیط عینی و ذهنی روی می‌دهد می‌تواند به عنوان ورودی نظام سیاست‌گذاری خارجی در نظر گرفته شود. در واقع این رویدادها و تحولات، همان داده‌های نظام سیاست‌گذاری خارجی هستند که رهبران و تصمیم‌گیران متأثر از آن‌ها دست به سیاست‌گذاری خارجی می‌زنند. نظام‌های باز - هم بیولوژیک و هم اجتماعی - از لحاظ تعریفی که برای آنان شده است

یا حتی یک واحد فوق‌حکومتی باشد. بر نهاد اصلی اسپروته‌ها این است که عوامل محیطی تنها در شکلی که تصمیم‌گیرندگان، آن‌ها را تصور و برداشت می‌کنند در پیوند با تصمیم‌گیری قرار می‌گیرند و این محیط روانی می‌تواند در پیوند با محیط عملیاتی باشد یا نباشد. مهم این است که محیط کلی را تصمیم‌گیرنده چگونه تصور می‌کند، نه اینکه این محیط واقعاً چیست.

نخستین گام در ایجاد پیوند میان عوامل محیطی و تصمیمات این است که دریابیم یک سیاست‌گذار خاص یا یک گروه خاص سیاست‌گذار چه برداشت و تصویری از محیط کلی دارد و چگونه فرصت‌ها و محدودیت‌های موجود در آن را با توجه به هدفی که دارد تصور می‌کند. تحلیلگر از دور باید از آنچه تصمیم‌گیرنده انجام می‌دهد و می‌گوید، دریابد که تصور و برداشت و برآورد او از محیط چیست (مشیرزاده، ۱۳۹۴: ۱۵۲-۱۴۸).

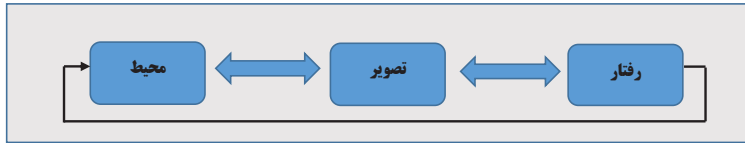
اسپروته‌ها توجه ما را به این مسئله جلب می‌کنند که ذهن تصمیم‌گیرندگان لوحی سپید نیست، بلکه اطلاعات و الگوهایی چون اعتقادات، نگرش‌ها، احساسات و عواطف، انتظارات و ارزش‌ها و نیز برداشت‌های تصمیم‌گیرندگان از خود و دولتشان همه درهم تنیده هستند و به شکلی پیچیده در تصمیم‌گیری نقش دارند. تصمیم‌گیرندگان در خلأ نیستند و به شکل مکانیکی عمل نمی‌کنند، بلکه عوامل تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، نهادی، ایدئولوژیک و غیره جملگی بستر اجتماعی‌ای شکل می‌دهند که تصمیم‌گیرندگان در آن عمل می‌کنند و تصمیم‌گیری در آن شکل می‌گیرد (Hudson and Vore, 1995: 217).

می‌توان چهار شاخه نظریه ادراکی در تحلیل

۲. پردازش: پردازش همان فرایند تبدیل ورودی یک نظام به خروجی است (تصویر شماره ۳). این عمل در نظام سیاست‌گذاری خارجی به طور قابل توجهی متأثر از کارویژه‌های ساختاری و نهادی نظام سیاست‌گذاری و به‌ویژه درک و فهم رهبران سیاسی تصمیم‌ساز از ورودی نظام یا همان تحولات و داده‌هایی است که از محیط امنیتی دریافت می‌کنند. برای تبیین هرچه بهتر این مؤلفه می‌توان از نظریات مختلف سیاست خارجی و روان‌شناسی محیطی استفاده کرد. نظریه محیط عملیاتی - روانی اسپروته، نظریه «ادراک محیطی» در روان‌شناسی و «جغرافیای رفتاری» از جمله نظریاتی هستند که به تصمیم‌گیری در پرتو تحولات محیطی عنایت دارند.

مارگارت و هارولد اسپروته توجه خود را معطوف به بستر یا زمینه تصمیم‌گیری می‌کنند. اسپروته‌ها محیط امنیتی را به دو محیط روانی و عملیاتی تقسیم می‌کنند. آن‌ها بر اهمیت محیط تصمیم‌گیری در تصمیمات تأکید دارند، اما این محیط به دو معنا است؛ یکی محیط عملیاتی است که به معنای عوامل پیرامونی‌ای است که صرف‌نظر از تصور و دریافت و برداشت ذهنی تصمیم‌گیرندگان وجود دارد و دیگری که به طور خاص مورد توجه آنان است، محیط روانی است؛ یعنی آنچه تصمیم‌گیرندگان از این محیط برداشت، تصور و دریافت می‌کنند.

محیط امنیتی نه‌تنها شامل محیط عینی، بلکه شامل محیط روانی یا انگاره‌ها و تصورات واحد نیز هست. این واحد محاط‌شده می‌تواند کارگزار سیاست‌ساز واحد، یک کارگزاری رسمی حکومتی، یک گروه سیاست‌گذار ویژه برای مورد خاص، یک گروه غیررسمی درون حکومتی، کل جمعیت دولت، یا خود دولت به عنوان یک واحد جمعی پیکروار،



تصویر ۳. فرایند پردازش تصمیم‌گیری و کنش

و انسانی) به وسیله دریافت‌کننده‌های ادراکی در ذهن فرد ضبط می‌شود و سپس در ارتباط با عوامل فرهنگی - اجتماعی، خصوصیات فردی و شخصی، آموزش، تجربه شخصی، خصوصیات نقشی و نظام‌های ارزشی، ارزشیابی و تفسیر شده و آن‌گاه در شکل‌گیری تصاویر و نقشه‌های ذهنی فرد و تصمیم‌گیری او نقش اساسی را ایفا می‌کند. در واقع می‌توان گفت اطلاعات دریافت‌شده فرد از محیط، پس از آنکه مورد پردازش ذهنی قرار گرفت به صورت یک فرایند انتقال رفتار محیطی در محیط اتفاق می‌افتد (بهروز، ۱۳۷۰: ۳۷).

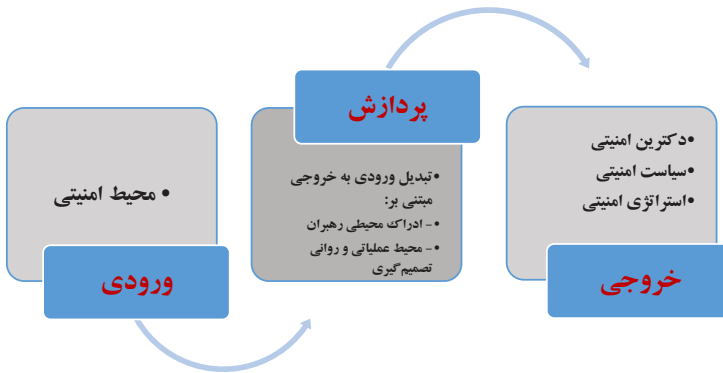
محیط پیرامونی هر فرد آکنده از درون‌داد و اطلاعات بالقوه است. کنشگران بخشی از این واقعیت را به صورت اطلاعات بالفعل ادراک می‌کنند و پس از پردازش و تفسیر به داوری، کنشگری و تولید فضا در محیط می‌پردازند. از آنجا که میان واقعیت آشکار و ملموس و مرحله پردازش و تفسیر، صافی‌های گوناگون اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، زیستی و طبیعی وجود دارد، طبیعی است که از یک پدیده یا امر واحد برداشت‌های ناهمسان وجود داشته باشد.

از این رو، کنش و واکنش افراد تابع ادراک، پنداشت‌ها، برداشت‌ها، نگرش‌ها، انگیزش‌ها، گرایش‌ها، منافع و آموزه‌های آنان از یک پدیده یا امر واحد است که گاه با خود واقعیت و ماهیت پدیده ناسازگار می‌نماید. برخاسته از همین ناهمسانی در برداشت‌هاست که تصمیم‌های سیاست خارجی

سیاست خارجی، یعنی نظریه‌های تصویر ذهنی، نقشه ادراکی، رمزگان عملیاتی و پیچیدگی مفهومی را در ادامه سنت اسپروت‌ها در توجه به عوامل ذهنی و ادراکی کنشگران دانست. در این رویکردها با اتکا به دستاوردهای روان‌شناسی ادراکی و گشتالت تلاش می‌شود، اولاً ویژگی‌های ادراکی متفاوت رهبران از ابعاد مختلف شناخته و روشن شود که آن‌ها چه برداشتی از خود، طرف مقابل، محیط و شرایط، نظام بین‌الملل، وضعیتی که در آن قرار می‌گیرند و غیره دارند و ثانیاً نشان داده شود که این وضعیت ادراکی در پیوند با نوع تصمیم‌گیری و سیاست خارجی کشورهاست (Young and Schafer, 1998).

یکی دیگر از رویکردهای نظری که می‌تواند به خوبی نحوه فرایند پردازش نظام تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری رهبران را تحلیل کند، نظریه ادراک محیطی و رفتار است که در دو رشته روان‌شناسی و جغرافیا از جمله شاخه‌های تخصصی مطالعاتی محسوب می‌شوند.

واژه «ادراک» در روان‌شناسی به طور کلی به تجربه مبتنی بر شعور که معنا و یا اهمیتی را دریافت کرده، اطلاق می‌شود. این اصطلاح در جغرافیا نیز عمدتاً به فهم و تصویر ذهنی در مورد موقعیت‌ها یا عارضه‌های قابل رؤیت دریافت‌شده از طریق حواس پنج‌گانه انسان تعبیر می‌شود. به بیانی دیگر، می‌توان گفت ادراک یک فرایند آگاهی است که در نتیجه اطلاعات دریافت‌شده از دنیای واقعی (محیط طبیعی



تصویر ۴. الگوی تحلیلی نظام سیاست‌گذاری خارجی و امنیتی

کشورها از یکدیگر متفاوت است (کلوایانی‌راد و قره‌بیگی، ۱۳۹۶: ۱۳۶).

۳. خروجی: نتیجه فرایند پردازش ورودی و داده‌های نظام سیاست‌گذاری، به شکل کنش‌ها و تصمیماتی است که به آن خروجی گفته می‌شود. این خروجی به اشکالی همچون دکترین امنیتی، راهبرد امنیتی، سیاست امنیتی و رویکردهای سیاست خارجی و امنیتی نمود می‌یابد. هر نظام سیاسی در گام نخست بایستی فرایند مقابله با تهدیدها و آسیب‌ها، نوعی جهت‌گیری کلان بر سراسر اهداف و آرمان‌ها، منافع و مصالح و ارزش‌ها و هنجارهای خود را ترسیم کند که این جهت‌گیری کلان دکترین سیاست خارجی و امنیتی خوانده می‌شود.

اگر دکترین سیاست خارجی را نوعی هدف‌گذاری بدانیم، پس از این مرحله باید مشخص شود امکانات و محدودیت‌های موجود برای دستیابی به این هدف کدام‌اند این مرحله را «سیاست خارجی و امنیتی» می‌نامند که حکایت از مدیریت و هدایت کلیه منابع جامعه برای تحقق هدف مورد نظر دکترین دارد. پس از اینکه امکانات و محدودیت‌های

جامعه برای دستیابی به جهت‌گیری کلی در قالب سیاست تدوین شد، لازم است روشی برای تحقق این سیاست‌ها مشخص شود که به این روش دستیابی به اهداف بر اساس امکانات و محدودیت‌ها، استراتژی سیاست خارجی و امنیتی گفته می‌شود. پس از اینکه استراتژی کلان تعریف شد، راهکارهای مشخص و تعریف‌شده‌ای لازم است تا دستیابی به اهداف موردنظر را امکان‌پذیر کند. این راهکارهای مشخص و تعریف‌شده که به نوعی راهنمای عمل هستند رویکرد یا خط‌مشی نامیده می‌شوند (خلیلی، ۱۳۸۷: ۳۰).

۴. بازخورد: بازخورد فرایندی است که در آن بخشی از خروجی‌ها به عنوان اطلاعات به درون داد بازخورنده می‌شوند و به این ترتیب، سیستم برای عملکرد بهتر خود را تنظیم می‌کند. خروجی تصمیمات اتخاذ و اجراشده، ممکن است ثبات یا بی‌ثباتی، کارآمدی یا ناکارآمدی و مشروعیت یا بحران مشروعیت را به دنبال داشته باشد. در صورت عملکرد منفی، مکانیسم بازخورد با اطلاعاتی که از محیط داخل و یا خارج سیستم کسب می‌کند، سیستم را از نتیجه عملکرد خود مطلع کرده

تا در دور بعدی پردازش به اصلاح و تعدیل عملکرد خود بپردازد.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

نظام سیاست‌گذاری خارجی و امنیتی و کم و کیف آن، برآمده از محیط امنیتی است که یک کنشگر در آن قرار دارد. در واقع، سیاست خارجی یک دولت در خلأ شکل نمی‌گیرد و ارتباط وثیق و عمیقی با محیط امنیتی آن دولت دارد؛ بنابراین، شناخت سیاست خارجی و امنیتی دولت‌ها بدون توجه به محیط امنیتی‌ای که در آن قرار دارند، امری ناقص و نارسا خواهد بود. برای دست‌یابی به یک الگوی تحلیلی و روش‌شناختی جهت تبیین محیط امنیتی و ارتباط آن با سیاست‌گذاری خارجی، لازم است که به این پرسش اساسی پاسخ داده شود که چه رابطه‌ای بین محیط امنیتی یک بازیگر و فرایند سیاست‌گذاری خارجی و امنیتی آن وجود دارد (تصویر شماره ۴).

مطالعه حاضر در راستای پاسخ به پرسش فوق، به این نتیجه رسید که محیط امنیتی با تعریف بر اساس چهار مؤلفه ابعاد محیطی (عینی-جغرافیایی و ذهنی-روانی)، سطوح امنیتی (داخلی، منطقه‌ای و جهانی)، ابعاد موضوعی محیط امنیتی (سیاسی-امنیتی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی-اجتماعی، زیست‌محیطی و سایبری) و کنشگران محیط امنیتی (فرودولتی، دولتی و فرادولتی)، در واقع ورودی و نهاده یک نظام سیاست‌گذاری خارجی محسوب می‌شود.

این ورودی در فراگرد ادراک محیطی و دریافتی که رهبران تصمیم‌گیر از داده‌های محیط امنیتی دارند، پردازش شده و خروجی آن در قالب کنش‌ها و تصمیمات شناخته‌شده‌ای همچون دکترین امنیتی، سیاست امنیتی، راهبرد امنیتی و رویکردهای

سیاست خارجی و امنیتی بروز و ظهور می‌یابد. از این رو، دولت‌ها برای اینکه بتوانند سیاست‌گذاری خارجی و امنیتی پویا، دقیق و کارآمدی داشته باشند و در عرصه خارجی منافع ملی را به بهترین شکل تأمین کنند می‌باید درک صحیح و عمیقی از محیط امنیتی خود داشته و تصورات و برداشت‌های رهبران تصمیم‌گیر را با واقعیت‌های موجود در این محیط امنیتی نزدیک و نزدیک‌تر کنند.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

تمامی اصول اخلاق پژوهش در مقاله رعایت شده است.

حامی مالی

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دکتری یاسر نورعلی‌وند در گروه مطالعات منطقه‌ای (گرایش مطالعات اروپا) در دانشگاه تهران است.

مشارکت نویسندگان

تمامی نویسندگان به یک اندازه در نگارش مقاله مشارکت داشتند.

تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان این مقاله تعارض منافع ندارد.

منابع فارسی

- افتخاری، اصغر. ۱۳۷۹. «امنیت در حال گذار: تحول معنای امنیت در قرن بیست و یکم». فصلنامه مطالعات راهبردی. سال ۳، شماره ۰۱. صص. ۲۵-۴۸.
- افتخاری، اصغر. ۱۳۸۷. محیط امنیتی پیرامونی جمهوری اسلامی ایران تحلیل محیط امنیتی: رویکردی جامع. در کتاب: محیط امنیتی پیرامونی جمهوری اسلامی ایران. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- باربر، جیمز و مایکل اسمیت. ۱۳۸۴. ماهیت سیاستگذاری خارجی در دنیای وابستگی متقابل کشورها. ترجمه حسین سیف‌زاده. تهران: نشر قومس.
- بهرروز، فاطمه. ۱۳۷۰. «بررسی‌های ادارک محیطی و رفتار در قلمرو مطالعات جغرافیای رفتاری و جغرافیای انسانی معاصر». فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. سال ۶، شماره ۱. صص. ۷۰-۳۱.
- بوزان، باری و اولی ویور. ۱۳۸۸. مناطق و قدرت‌ها؛ ساختار امنیت بین‌المللی. ترجمه عسگر قهرمان‌پور. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- تانگ، شیپینگ و بهناز اسدی‌کیا. ۱۳۸۴. نظریه نظام‌واره محیط امنیتی. فصلنامه راهبرد دفاعی. سال ۳، شماره ۹. صص. ۱۶۷-۲۰۲.
- حسن‌پور، جعفر و محمد شاه‌محمدی. ۱۳۹۵. «شرایط رویکردهای آینده‌نگارانه در ترسیم محیط امنیتی». فصلنامه امنیت‌پژوهی. سال ۱۵، شماره ۵۴. صص. ۹۸-۶۷.
- خلیلی، رضا. ۱۳۸۷. «نظام امنیتی: چارچوبی بدیل برای مطالعه سیاست مقایسه‌ای». فصلنامه مطالعات راهبردی. سال ۱۱، شماره ۳۹. صص. ۴۱-۵.
- عصاریان‌نژاد، حسن و محسن پورقلی. ۱۳۹۴. «طراحی الگوی محیط‌شناسی امنیتی جمهوری اسلامی ایران بر اساس آراء و نظریات مقام معظم رهبری «مدظله العالی»». فصلنامه امنیت ملی. سال ۵، شماره ۱۸. صص. ۳۸-۹.
- عصاریان‌نژاد، حسین و علی عبدالله‌خانی. ۱۳۸۵. «تهدید در نظریه‌های امنیت». فصلنامه مطالعات استراتژیک. سال ۷، شماره ۲۷. صص. ۱۴۴-۱۲۵.
- عصاریان‌نژاد، حسین و علیرضا ترقی. ۱۳۸۷. «بعدشناسی محیطی امنیت». ماهنامه نگرش راهبردی. شماره ۹۱. صص. ۱۲۸-۹۱.
- غرایق زندی، داود. ۱۳۸۷. محیط امنیتی پیرامونی جمهوری اسلامی ایران (مجموعه مقالات). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کاویانی راد، مراد و مصیب قره‌بیگی. ۱۳۹۶. جغرافیای انتخابات: بنیادها، مفاهیم و رویکردها. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مشیرزاده، حمیرا. ۱۳۹۴. «احیای حوزه تحلیل سیاست خارجی: تحلیلی چندمتغیره». پژوهشنامه علوم سیاسی. سال ۰۱، شماره ۳. صص. ۱۶۹-۱۳۹.

References

- Assarian Nejad, Hossein, and Alireza Taraghi. 2008. "Environmental Security Dimension." Strategic Approach. no. 91. pp. 91-128. <https://cutt.ly/AyvkTWR>
- Assarian Nejad, Hossein, and Ali Abdollahkhani. 2006. "Threats to Security Theories (Persian)." Defense Strategic Studies. vol. 7. no. 27. pp. 125-144. <https://www.sid.ir/Fa/Journal/ViewPaper.aspx?ID=77815>
- Assarian Nejad, Hussein, and Mohsen Pourgholi. 2015. "On Designing a Security Environmentology Model of the I.R.I Based on the Viewpoints of the Supreme Leader (Persian)." Journals Management System. vol. 5. no. 18. pp. 9-38. http://journals.sndu.ac.ir/article_693.html
- Barber, James P, and Michael Smith. 2005. The Nature of Foreign Policy: A Reader. Translated by Hossein Seifzadeh, (Persian). Tehran: Ghomes. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/504566>
- Behforooz, Fatemeh. 1991. "Environmental Perceptions and Behavior Studies in Behavioral Geography and Contemporary Human Geography Studies (Persian)." Geographical Research. vol. 6. no. 1. pp. 31-70. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=20811>
- Buzan, Barry, and Ole Waever. 2009. Regions and Powers: The Structure of International Security. Translated by Asgar Ghahramanpour, (Persian). Tehran: Research Institute of Strategic Studies. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/1628601>
- Caporaso, James A, et al. 1986. "The Comparative Study of Foreign Policy: Perspectives on the Future". International Security. no 11. pp. 32-43. <https://eric.ed.gov/?id=ED271365>
- Eftekhari, Asghar. 2001. "Security in Transition the Evolution of the Meaning of Security in the Twenty-First Century (Persian)." Strategic Studies Quarterly. vol. 3. no. 10. pp. 25-48. http://quarterly.ris-studies.org/article_1113.html
- Eftekhari, Asghar. 2008. Continuous Security Environment of the Islamic Republic of Iran Analysis of Security Environment: A Comprehensive Approach. In: Edited by: Davoud Gharayan Zandi. The Security Environment around the Islamic Republic of Iran (Persian). Tehran: Research Institute of Strategic Studies. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/1199033>
- Hassanpour, Jafar, and Mohammad Shah Mohammadi. 2016. "The Futuristic Approaches Conditions in the Outline of Security Environment (Persian)." Journal of Security Research. vol. 15. no. 54. pp. 67-98. <https://www.magiran.com/paper/1683909?lang=en>
- Hudson, Valerie M, and Christopher S. Vore. 1995. "Foreign Policy Analysis Yesterday, Today and Tomorrow". Mershon International Studies Review. vol. 39. no. 2. pp. 209-238. [DOI:10.2307/222751]
- Gerard Ruggie, John. 2004. "Reconstituting the Global Public Domain-Issues, Actors and Practices". European Journal of International Relations. vol. 10. no. 4. pp. 499-531. [DOI:10.1177/1354066104047847]
- Gharayan Zandi, Davoud. 2008. The Security Environment around the Islamic Republic of Iran. Tehran: Research Institute of Strategic Studies. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/1199033>
- Kaviani Rad, Morad, and Mosayeb Gharebeigi. 2017. Geography of Elections: Foundations, Concepts and Approaches (Persian). Tehran: Research Institute of Strategic Studies. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/4683782>
- Khalili, Reza. 2008. "Security System: An Alternative Framework for Comparative Politics Studies (Persian)." Strategic Studies Quarterly. vol. 11. no. 39. pp. 5-41. http://quarterly.ris-studies.org/article_942.html
- Møller, Bjørn. 2000. The Concept of Security: The Pros and Cons of Expansion and Contradiction. Paper presented at: The 18th General Conference of the International Peace Research Association (IPRA) (August 5-9). Tampere, Finland. <https://www.peacepalacelibrary.nl/ebooks/files/370659244.pdf>
- Moshirzadeh, Homeira. 2015. "Revival of Foreign Policy Analysis: A Multi Variable Analysis (Persian)." Scientific Journal Management System. vol. 10. no. 3. pp. 139-169. http://www.ipsajournal.ir/article_268.html
- Sprout, Harold Hance, and Margaret Tuttle Sprout. 1965. The Ecological Perspective on Human Affairs: With Special Reference to International Politics.

Princeton, NJ: Princeton University Press. <https://books.google.com/books?id=8XrowgEACAAJ&dq>

Tang, Shipping, and Behnaz Asadinia. 2005. "Security Environmental System Theory (Persian)." Scientific Quarterly Journal of Defense Strategy. vol. 3. no. 9. pp. 167-202.

Young, Michael D, and Mark Schafer. 1998. "Is There Method in Our Madness? Ways of Assessing Cognition in International Relations." Mershon International Studies Review. vol. 42. no. 1. pp. 63-96. [DOI:10.2307/254444]